

خطابه مبارک در بیت مبارک در مسئله ترقیات عصر ۱۲ ماه جولای

۱۹۱۲

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



از الواح حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه موجود در "نگارخانه آثار بهائی" در مرکز جهانی بهائی

- شماره ۱۰۷۶

خطابه مبارک در بیت مبارک در مسئله ترقیات عصر ۱۲ ماه جولای ۱۹۱۲

عالم امکان نظیر انسان است انسان مقام نطفه مقام شیرخواری اوقات نشو و نما وقت تمیز و رشد و وقت بلوغ دارد همین طور عالم امکان درجاتی دارد انسان در سن شیرخواری حساس است و در سن مراقب یعنی بدایت ادراک احساس و تمیز دارد اما ادراکاتش ضعیف است و اما چون بسن بلوغ میرسد جمیع قوای معنوی و قوای صوری او در نهایت درجه قوت جلوه مینماید قوه ادراک بدرجهئی رسد که کشف حقایق اشیاء کند اما در سن طفولیت و شیرخواری این ممکن نیست این کمالات در سن بلوغ جلوه می نماید نه در سن طفولیت

عالم امکان نیز یک زمانی بود که شیرخوار بود بعد مثل طفل مراقب شد روز بروز نشو و نما نمود حالا بعالم رشد رسیده است این قرن سلطان قرون است این عصر آئینه جمیع اعصار است آنچه در قرون اولی بوده صور جمیع در این آئینه آشکار است و از آن گذشته نفس این قرن کمالات خاصه دارد اکتشافات عظیمه دارد صنایع بدیعه دارد تأسیسات عجیبه دارد علوم غریبه دارد و از جمیع جهات در نهایت کمال جلوه نموده و خواهد نمود یعنی فضائل قرون سابقه صنایع قرون سابقه خصائل قرون سابقه و اکتشافات قرون سابقه را دارد با وجود این فضیلت خاصه صنایع خاصه و اکتشافات خاصه این قرن را هم دارد که در قرون سابقه ابداً نبوده مثلاً در قرون سابقه فن معماری بوده و در این قرن بنهایت بلوغ رسیده اما این قوه برقیه نبوده این تلگراف که بدقیقهئی با شرق و غرب مخیره کند نبوده این فنوگراف نبوده این تلفن نبوده اینها از خصائص این قرن است در این قرن فضائل قرون قدیمه و فضائل قرون جدیده موجود لهذا این قرن جامع قرون و ممتاز از جمیع است و سلطان قرون است و آفتاب جمیع اعصار است و چون ما در این قرن هستیم بشکرانه این مواهب باید قیام بر اعمالی کنیم که سزاوار این قرن است مثلاً انسان چون ببلوغ رسد باید احوال و اطواری داشته باشد که سزاوار سن بلوغ است همین طور این عالم امکان چون ترقی کرده باین درجه رسیده که قرن انوار است قرن ظهور اسرار است قرن فضائل عالم انسانیت قرن روز خداست قرن ملکوت ابی است باید ما بآنچه سزاوار این قرن است رفتار نمائیم چه که امکان بدرجه بلوغ رسیده و اگر تا بحال بدرجه بلوغ نرسیده قریب ببلوغ است ملاحظه کنید که دائره عقول و دائره افکار چه



ORIGINAL

قدر اتساع یافته اکتشافات جدیده چه قدر زیاد شده تأسیسات عظیمه چه قدر ظهور یافته صنایع بدیعه چه قدر جلوه نموده علوم نافعه چه قدر انتشار یافته با وجود این مواهب الهیه آیا سزاوار است که بشر در دریای مادیات مستغرق باشد در عالم طبیعت اسیر باشد این قرن قرن نیست که قوای معنویّه انسان جلوه نموده کالات روحانیّه انسان ظاهر گردیده نورانیت عالم انسانی باهر شده فیوضات لانهای الهی جلوه نموده و چون کالات جسمانی باعلی درجه رسیده همین طور کالات روحانی باید باعلی درجه برسد تا ظاهر و باطن انسان روشن گردد و سعادت دنیویّه و سعادت ملکوتیه هر دو حاصل شود فضائل طبیعیّه و فضائل الهیه همه ظاهر گردد هر چند فکر انسان مرآت حقایق اشیاست یعنی در انسان قوهئی هست که آن قوه کاشف حقایق است همین طور حقیقت انسان مرآت انوار ملکوت است استعداد دارد که حقایق ملکوتیه در او جلوه کند و اسرار الهیه در او ظاهر گردد و صور ملاً اعلی در او انطباق یابد پس اگر هر دو جهت یعنی جهت جسمانی و جهت روحانی هر دو ترقی نماید آنوقت حقیقت انسانیه در نهایت جمال و کمال جلوه کند الحمد لله خداوند در این قرن هر بابی را بر ما گشوده هر شمی را برای ما روشن نموده باران رحمتش جمیع را احاطه کرده نسیم عنایتش وزیده از هر جهت اسباب کمال از برای ما فراهم نموده جائز نیست که ما این مواهب الهیه را هدر دهیم این فیوضات رحمانیه را هدر دهیم این انوار لاهوتیه را هدر دهیم باید بجان و دل بکوشیم تا این مواهب الهیه در حقیقت انسانیه بکمال قوت جلوه کند تا بشر آئینه ملکوت ربّ جلیل گردد و عالم ناسوت آئینه ملکوت شود آنوقت سعادت دنیویّه سعادت اخرویّه مواهب الهیه روحانیت عظیمه نورانیت ملکوتیه از برای عالم بشر حاصل گردد پس بکوشید تا شکرانه این الطاف نمائید و این نفثات روح القدس را تلقی نمائید و این نورانیت را حاصل کنید و این فضل و موهبت را شکرانه نمائید اگر چنین همی نمائید شرق و غرب عالم دست در آغوش یکدیگر نمایند بنیان بغض و عداوت بکلی برافتد محبت ملکوتی انتشار یابد الفت روحانی حاصل گردد وحدت عالم انسانی جلوه کند صلح اکبر تحقق نماید جمیع بشر در نهایت مودت با یکدیگر آمیزش نمایند و سعادت ارض و سعادت ملکوت هر دو حاصل گردد امیدم چنان است که کلّ باین مقام فائز گردید این است وصیت من